

زبان‌شناسی اجتماعی: بررسی انتخاب‌های سخن‌گویان زبان، فلوریان کالمس، انتشارات کمبریج، ۲۰۰۵، ۲۶۳ صفحه^۱.

وقتی کتاب زبان‌شناسی اجتماعی فلوریان کالمس با تأکید بر عنوان "بررسی انتخاب‌های سخن‌گویان زبان" را باز می‌کنیم، در همان صفحات آغازین به این گفته^۲ دل‌هایم^۳ برمی‌خوریم که "بخش اعظم زبان، آن چیزی است که کاربران آن زبان ساخته‌اند..." و این چیزی جز همان انتخاب‌های سخن‌گویان نیست که در تمامی مباحث این کتاب به‌عنوان موضوع محوری به‌چالش کشیده شده است. باین‌وجود کالمس در مقدمه یادآور می‌شود که ذات پویای انتخاب رفتار و کلام در طبیعت فیزیکی انسان به‌اسارت کشیده شده و به محدودیت‌ها تن در داده است. کتاب، از انتشارات دانشگاه کمبریج است که در سال ۲۰۰۵ منتشر شده و مشتمل بر مقدمه (فصل اول) و دو بخش عمده "انتخاب‌های خرد" و "انتخاب‌های کلان" است که به دوازده فصل تقسیم می‌شوند. همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد، انتخاب سخن‌گویان زبان محور همه مباحث کتاب است و درواقع به ما می‌گوید آن‌چه که می‌گوییم، در کجا می‌گوییم و چه‌گونه می‌گوییم، همگی به‌انتخاب سخن‌گوی زبان صورت می‌گیرد.

در فصل اول کتاب یا مقدمه، با عنوان "نگرش‌های زبان"، کالمس می‌گوید که زبان‌شناسی اجتماعی خود را از دیگر علوم زبانی، به‌ویژه زبان‌شناسی زیستی و دستور نظری، متمایز ساخته و به جنبه‌های متغیر زبان، که به مقوله انتخاب می‌پردازند، تأکید می‌ورزد. وی برای زبان واقعیتی اجتماعی قایل شده و آن‌را محصولی گروهی می‌داند. وی هم‌چنین معتقد است که تکرر و تنوعات زبانی، که نتیجه بُعد تاریخی و ارتباطی، به‌ویژه عامل مهاجرت‌اند، به گوناگونی زبان‌ها منجر شده است. باین‌وجود، مجاورت را نیز تضمینی برای همگن‌سازی و یک‌نواختی زبان نمی‌داند و می‌گوید که تمایلات اجتماعی، چه به‌علت همگن‌سازی باشد و چه به‌علت جداسازی، هردو به تغییر زبان می‌انجامند. این تمایلات از اعضای جامعه زبانی نشأت می‌گیرند که به‌طور پویا، آگاهانه و هدفمند دست به انتخاب می‌زنند. کالمس برای توضیح پیچیدگی زبان دو وجه فیزیکی و روانی آن‌را مکمل یکدیگر می‌داند و معتقد است که چون زبان‌شناسی

1. Coulmas Florian. (2005). *Sociolinguistics: The Study of Speaker's Choices*. Cambridge: Cambridge University Press.

2. D. Hymes

اجتماعی، زبان‌شناسی انتخاب‌هاست پس در امر انتخاب به یک کنش‌گر نیاز است و نه یک روبات. ازسوی‌دیگر تنوعات، که در بطن پژوهش‌های زبان‌شناسی اجتماعی قرار دارند، خود دارای الگوهایی هستند که محدودیت‌هایی را برای انتخاب به‌وجود می‌آورند که منجر به ثبات و یا تغییر زبان می‌شوند. درواقع کالمس زبان را به مسیری تشبیه می‌کند که سخن‌گویان با تشریک مساعی و بدون این‌که منحرف شوند، در آن مسیر رفتارهای زبانی خود را به منصه ظهور می‌رسانند، و به‌این‌گونه نقش و بقای زبان تضمین می‌شود.

پس از مقدمه، بخش نخست "انتخاب‌های خرد"، فصل‌های دوم تا ششم را دربر می‌گیرد. عنوان فصل دوم، "معیار و گویش: قشربندی اجتماعی به‌عنوان عامل انتخاب زبانی" است. نویسنده در این فصل به گوناگونی زبان در بُعد اجتماعی می‌پردازد و معتقد است که دغدغه اصلی زبان‌شناسی اجتماعی، بررسی نقش گویش‌ها و انتخاب گویش توسط سخن‌گویان است. آن‌جا که گویش‌ها با لایه‌های اجتماعی هم‌بسته‌اند، انتخاب‌های زبانی، که توسط سخن‌گویان انجام می‌گیرد، هویت اجتماعی آن‌ها را به‌تصویر می‌کشد. در امر ارتباط بین گویش‌ها، وقتی مانع فیزیکی بر سر راه نباشد، گویش‌های هم‌جوار درکی متقابل از یک‌دیگر دارند و زنجیره و پیوستاری از یک گویش را تشکیل می‌دهند، که بر روی یک لایه قرار گرفته‌اند، و در ارتباط‌اند با ناپیوستاری از زبان‌های معیار که بر روی لایه‌های دیگر قرار دارند. و به‌این‌ترتیب دو نیروی تکاملی زبان‌ها، یعنی تصادف تاریخی و اختیار تاریخی شکل می‌گیرند. ازسوی‌دیگر عواملی چون نهادهای جمعیتی و سیاسی یک جامعه زبانی، دسترسی داشتن به یک نوشتار رسمی، تمایل برای حفظ وحدت زبانی و یا تأکید بر روی تمایزات زبانی، همگی بر گونه معیار تأثیر می‌گذارند، بنابراین نویسنده به معرفی الگوهای تعامل زبان و لایه‌های اجتماعی پرداخته و کاستی‌ها و توانمندی‌های هریک را به‌بحث می‌نشیند و چنین استدلال می‌کند که واژه‌هایی مانند "گویش" و "طبقه اجتماعی" مفاهیمی انتزاعی‌اند و به‌دشواری می‌توان تعریفی از آن‌ها ارائه داد. سپس می‌افزاید که اگرچه رویکرد شبکه اجتماعی به‌جای توصیف انتزاعی از طبقه اجتماعی به‌تنوع و تراکم شبکه‌های ارتباطی موجود بین سخن‌گویان می‌پردازد، اما درعین‌حال تحلیل شبکه‌ای نمی‌تواند به‌منزله جایگزینی برای تحلیل طبقات اجتماعی باشد، زیرا جوامع، چه کوچک و چه بزرگ، چه پسامدرن و چه درحال پیشرفت، همگی دارای قشربندی اجتماعی هستند. در بخش پایانی این فصل کالمس به مسئله انطباق و نظریه سازگاری می‌پردازد که این سازگاری به‌منظور وحدت و همبستگی یا عضویت در یک گروه خاص صورت می‌گیرد. به‌این‌ترتیب نشان

زبان‌شناسی اجتماعی: بررسی انتخاب‌های ...

می‌دهد که تغییراتِ گویشی، قشربندی اجتماعی و مطابقت، به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر انتخاب‌های سخن‌گویان مدنظر قرار می‌گیرند.

فصل سوم "گفتار جنسیتی: جنسیت به‌منزلهٔ عامل انتخابِ زبانی" است. نویسنده در تمایزات گفتاری بین زنان و مردان، نه‌تنها به تمایزاتِ گفتاریِ فیزیکیِ زنان و مردان می‌پردازد، بلکه از نقطه‌نظر تسلط نیز به این تمایزات اشاره می‌کند. وی معتقد است که الگوهای مختلف اجتماعی، معیارهای متفاوتی را برای گفتار زنان و مردان در نظر می‌گیرند، از این‌رو دیده می‌شود که در جوامع مختلف، پسران از اعتمادبه‌نفس بالاتری نسبت به دختران برخوردارند، درحالی‌که دختران به ابزارهای درک و مسئولیت مجهزند. بنابراین سبک گفتار در پسران، رقابتی و در دخترها باتعاون است. هم‌چنین ادامه می‌دهد که زنان برای بهبود موقعیت اجتماعی خود بیش‌از مردان از معیارهای معتبر زبانی استفاده می‌کنند و بیش‌از آن‌ها تمایل به شرکت در شبکه‌های چندگانه دارند. وی معتقد است که اگرچه جنسیت در انتخاب تنوعات زبانی نقش دارد اما نباید فراموش کرد که تلاش‌های فراوانی برای از بین بردن تمایزات جنسیتی، به‌ویژه در زبان‌های غربی صورت گرفته که باعث تغییرات چشم‌گیری نیز شده است. وی در پایان می‌افزاید که اگرچه عوامل گوناگونی، که باعث تغییرات زبانی می‌شوند، عمدتاً تصادفی هستند، اما اصلاحات زبانی شبکه‌ای و فرهنگی، به‌خصوص اصلاحات فمینیستی صورت‌گرفته، بیان‌گر این واقعیت‌اند که زبان‌ها عمیقاً تحت تأثیر انتخاب‌های آگاهانه و عمدی سخن‌گویان زبان‌اند.

در فصل چهارم با عنوان "برقراری ارتباط بین نسل‌ها: سن به‌عنوان عامل انتخابِ زبانی"، کالمس معتقد است که ما قادر به درک متقابل یکدیگر هستیم چون زبان، سنتی است که از یک نسل به نسل دیگر منتقل می‌شود، اما اگر مرگِ زبانی باعث شود بین نسل‌ها فاصله بیفتد، آن‌گاه می‌توان شکافِ بین‌نسلی را مشاهده کرد. وی ادامه می‌دهد که به‌وسیلهٔ گفتار می‌توان چهار دورهٔ سنی را در نظر گرفت که هر یک مشخصه‌های خاصی را به‌نمایش می‌گذارد. در برقراری ارتباط، سخن‌گوی زبان همواره گفتار خود را با توجه به مخاطبی که در ذهن خود تصور کرده است، طرح‌ریزی می‌کند. به‌تعبیر دیگر در هر دورهٔ زندگی، سخن‌گویان با توجه به تصوراتِ فردیِ خود دست به انتخابِ تنوع زبانی می‌زنند، درحالی‌که زبان، همواره خود، کلیشه‌های مربوط به رده‌های سنی را تنظیم و در زمان حرکت می‌کند. چنان‌که جوان‌ها نقش سازگاری را برعهده دارند و بزرگسالان مانع عمل‌کردهای انحرافی می‌شوند که در اثر تغییراتِ سریع اتفاق می‌افتند.

فصل پنجم "انتخاب و تغییر" نام دارد. نویسنده در این فصل به تغییر زبان در گذر زمان می‌پردازد. کالمس معتقد است که تغییرات زبانی را باید از نقطه‌نظر سخن‌گو- محور و نه زبان- محور بررسی کرد، زیرا این آواها نیستند که تغییر می‌کنند بلکه سخن‌گویان زبان هستند که تلفظشان را تغییر می‌دهند و به تدریج از تنوعی به تنوع دیگر روی می‌آورند. بنابراین وظیفه زبان‌شناسی اجتماعی، بررسی تغییرات تلفظی سخن‌گویان است و این‌که چه‌گونه برخی از این تغییرات تلفظی برای سخن‌گویان ارجح است. در این راستا نویسنده به تمایزات موجود بین تحقیقات زمان واقعی و زمان ظاهری پرداخته و دومی را ثبت تنوعات مشاهده‌شده، مثلاً بین گفتار جوانان و سالمندان که هم‌زمان صورت گرفته‌اند، می‌داند و معتقد است این تحقیقات در واقع پلی بین فواصل هم‌زمانی و در زمانی زده و نشان می‌دهند که تغییرات زبانی واقعاً چه‌گونه صورت می‌گیرند، در حالی‌که پژوهش‌های زمان واقعی به بررسی طولی تنوعات مشاهده‌شده در یک جامعه زبانی در سال‌ها و دهه‌های جداگانه می‌پردازد. کالمس سپس به طرح مسئله معیارشدگی، که از طریق سازگاری سخن‌گویان زبان با معیارهای معتبر جامعه حاصل می‌شوند، پرداخته و معتقد است که انتخاب‌های واقعی توسط فرد سخن‌گو صورت می‌گیرد، که تصادفی نبوده بلکه در مسیر مشخصی قرار دارند و به انتخاب‌های دیگر افزوده می‌شوند. وی هم‌چنین عقیده دارد که زبان‌ها در طول زمان، در اثر نیاز به معیارشدگی، که بیشتر توسط زنان صورت می‌گیرد، تغییر می‌کنند.

فصل ششم با عنوان "ادب: ابعاد فرهنگی انتخاب زبانی"، آخرین مبحث از مباحث خرد زبان‌شناسی اجتماعی است. کالمس بین آن‌چه عقل سلیم می‌پذیرد و تعاریف نظریه- بنیاد در مورد ادب، به‌عنوان یکی از عوامل شکل‌دهنده روابط اجتماعی، تمایز قائل می‌شود. وی ابتدا به معرفی مفاهیم پایه‌ای ادب می‌پردازد. اصول پیشنهادی لیچ^۱ (۱۹۸۳) را برای برقراری و حفظ خوش‌رفتاری و حسن رابطه و در نهایت کنترل رفتار زبانی مؤثر می‌داند و تشریح مساعی و هم‌کاری براون^۲ و لوینسون^۳ (۱۹۸۷) را، که بر پایه دو نخستین عقلانیت و وجهه قرار دارند، نقطه عزیمت فرض می‌کند. وی در ادامه بر این نکته اشاره دارد که مؤدب‌بودن به این معنا نیست که اصطلاحاتی با این ویژگی در یک زبان به ارث می‌رسند بلکه این امر مربوط به انتخاب سخن‌گویان در شرایط گفتاری خاص است. بنابراین اگر برای مثال وجود سیستم ضمیر در زبان

1. G. N. Leech

2. P. Brown

3. S. Levinson

زبان‌شناسی اجتماعی: بررسی انتخاب‌های ...

انگلیسی، نشان‌دهنده مساوات‌طلبی بیشتر در این جامعه است، به این معنا نیست که احترام، دوستی، فاصله اجتماعی و تفاوت قدرت را در این زبان نمی‌توان بیان کرد، بلکه این زبان از ابزارهای غیرآشکار و رمزگذاری‌های منظم دیگر برای این منظور استفاده می‌کند. نویسنده در پاسخ به این سؤال که ادب بخشی از زبان است یا بخشی از کاربرد زبان، می‌گوید: قراردادهای ادب که در گفتار هر جامعه زبانی جاری و ساری هستند، انتخاب‌های زبانی متناسب با فرهنگ آن جامعه‌اند. جوامع زبانی، از جهت انتخابی که سخن‌گویان زبان دارند، و زبان‌ها هم از جهت رمزگذاری‌های واژگانی و دستوری که برای تمایزات اجتماعی اعمال می‌کنند، با یکدیگر متفاوتند. بنابراین تعیین رابطه ادب در زبان و ساخت اجتماعی برای یک جامعه زبانی حائز اهمیت است. به عبارت دیگر باید دید که چگونه ادب در زبان رمزگذاری می‌شود، چه استراتژی‌ها و روش‌هایی به کار می‌رود و چه مطالبات فرهنگی در شکل‌گیری ادب مؤثرند.

بخش دوم کتاب، که مباحث کلان زبان‌شناسی اجتماعی را دربر می‌گیرد، از فصل هفتم تا سیزدهم را شامل می‌شود. کالمس نخستین بحث را در این مورد به "رمزگردانی: انتخاب‌های زبانی در سطح مرزهای زبانی" اختصاص می‌دهد و هم‌چنان تأکید وی بر انتخاب سخن‌گویان است، با این تفاوت که در بحث‌های خرد زبان‌شناسی اجتماعی این انتخاب‌ها در سطوح پایین زبان، یعنی تعاملات خاص، صورت می‌گیرند، در حالی که در این مباحث انتخاب‌های سطوح بالایی زبان، که در اثر برخوردهای زبانی حاصل شده‌اند، مدنظر قرار می‌گیرند. نویسنده، زبان‌شناسی اجتماعی یا تنوع‌گرایی را در مقابل جامعه‌شناسی زبان یا زبان‌شناسی کلان قرار می‌دهد اما معتقد است که این دو در جاهایی هم‌پوشی دارند، که مناطق خاکستری را به وجود می‌آورند و عنصری از یک زبان یا دیگری انتخاب می‌شود و حاصل آن پدیده رمزگردانی است. درجایی دیگر می‌افزاید که وجود این پدیده به دلیل عدم توانش سخن‌گوی زبان نیست بلکه انگیزه‌های اجتماعی وی را وامی‌دارد که گونه‌های مختلفی را به کار برد، و همه انتخاب‌هایی که سخن‌گو در سطح زبان‌های مختلف انجام می‌دهد، آکنده از معناهای اجتماعی‌اند. کالمس اگرچه نقش انتخاب سخن‌گویان را در رمزگردانی پررنگ می‌کند و معتقد است که در واقع این سخن‌گوی زبان است که تصمیم می‌گیرد به چه میزان و با چه تناسبی از رمزهای زبانی گوناگونی که در اختیار دارد استفاده کند، اما بر این امر صحنه می‌گذارد که این پدیده در تمام جوامع زبانی به‌طور یکسان صورت نمی‌گیرد و آنچه مسلم است در وضعیت‌های برخورد زبانی، سخن‌گویان به علت محدودیت‌های اجتماعی متفاوت، کمتر دست به انتخاب می‌زنند.

در فصل هشتم با عنوان "دوزبان‌گونی و دوزبانگی: محدودیت‌های نقشی بر انتخاب زبان"، کالمس ابتدا مفهوم دوزبان‌گونی و تمایز دو گونه high و low را از دیدگاه فرگوسن^۱ (۱۹۵۹) و دیگر محققان به تصویر می‌کشد و اشاره می‌کند که معیارشدگی زبان و گونه نوشتاری همواره دست‌درست هم به حیات خود ادامه می‌دهند، چون ادبیات نوشتاری و متون مقدس هر زبان شالوده معیارشدگی آن زبان هستند. بنابراین گونه high که عمدتاً نوشتاری است، نقش زبان معیار را برعهده دارد، درحالی‌که نقش تعاملات گفتاری به گونه‌های low اختصاص دارد. سپس به‌نقل از فیشمن^۲ (۱۹۶۷؛ ۱۹۸۰) دوزبان‌گونی را نوعی دوزبانگی اجتماعی به حساب می‌آورد ولی عکس آن را صادق نمی‌داند. زیرا دوزبانگی اجتماعی در بالاترین سطح انتخاب‌های زبانی و توسط سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های زبانی صورت می‌پذیرد و به تعیین و کنترل شأن و نقش زبان، قلمروی کاربرد زبان، سازگاری زبان، بافت بومی، شبکه‌های اجتماعی و نظایر آن می‌پردازد. در پایان این فصل نویسنده انتخاب سخن‌گویان را برای سازگاری و تشریک مساعی با یکدیگر در راستای به‌دست‌آوردن درک متقابل و ایجاد تعهد می‌داند.

"گسترش، تغییر و حفظ زبان: گروه‌ها چه‌گونه زبان خود را انتخاب می‌کنند"، عنوان فصل نهم کتاب است. نویسنده در پاسخ به این پرسش که سخن‌گویان یک زبان در تماس با دیگر گروه‌ها و زبان‌ها چگونه واکنش نشان می‌دهند، معتقد است که جوامع زبانی در برخورد با یکدیگر از لحاظ وسعت، قدرت، ثروت، اعتبار و قدرت حیاتی متفاوتند بنابراین سخن‌گویان در طول دوران زندگی خود یا از نسلی به نسل دیگر به تنظیم الگوهای انتخاب زبانی خود می‌پردازند. وی اشاره می‌کند که مهاجرت، تجارت، برده‌داری، اشغال، سلطه، گسترش و ترویج زبان‌های خاص، تضعیف فرهنگ‌ها و اعتباربخشی به برخی زبان‌ها به گسترش زبان، فراتر از مرزهای سرزمین بومی منجر می‌شود، که به‌طور طبیعی صورت نگرفته است. برای مثال به‌هم‌خوردن توازن زبانی در اثر گسترش اینترنت و کاهش گوناگونی زبانی در اثر جهانی‌شدن برخی زبان‌ها از این گونه‌اند. برعکس در تغییر و حفظ زبان، مفهوم وفاداری زبانی، اهمیت زبان قومی و عوامل جمعیتی، نقشی اساسی دارند. درعین‌حال تغییر زبانی همواره در جهت زبانی است که سودمندی بیشتری دارد و سخن‌گویان همانند دیگر حوزه‌های کنش زبانی در انتخاب زبانی خود آگاهی کامل ندارند.

1. Ch. A. Ferguson

2. J. A. Fishman

زبان‌شناسی اجتماعی: بررسی انتخاب‌های ...

کالمس، فصل دهم: "زبان و هویت- فردی، اجتماعی، ملی" را به این موضوع محوری زبان‌شناسی اختصاص می‌دهد که زبان، هویت سخن‌گویان را به‌نمایش می‌گذارد. به‌تعبیری دیگر مفهوم نظری "گوینده بومی"، برپایه این خود- هویتی، که هر فرد با خودی فرد منطبق است، بنا شده است. زبان نشان‌گر هویت مابودن است، پس به آن عشق می‌ورزیم و گاه نیز از آن نفرت داریم چون هویتی را آشکار می‌کند که در جامعه اعتبار ندارد. باین‌وجود، چنین نیست که نتوانیم از هویت زبانی خود فرار کنیم، چون هویت زبانی، ساختی اجتماعی است و می‌تواند انتخاب شود. وی هم‌چنین می‌افزاید: اما وقتی پای همبستگی گروهی، که فرایندی اجتماعی است، پیش می‌آید و هم فرد و هم گروه را دربر می‌گیرد، مسئله انتخاب فرد در گروه انتخاب گروه مطرح می‌شود. درواقع زبان به‌عنوان پدیده‌ای چندبعدی در ساختار هویت‌ها به‌استثمار کشیده شده و به‌جای آن که به انعکاس صحیح ویژگی‌های اجتماعی پایه‌ریزی‌شده در شکل‌های مختلف گفتاری بپردازد، براساس کنش‌های هویتی، که پیوسته ساخته و دوباره ساخته می‌شوند، رفتار می‌کند.

نویسنده در فصل یازدهم با عنوان "برنامه‌ریزی زبانی: مطالبات ارتباطی، انتخاب عمومی، سودمندی"، بحث برنامه‌ریزی زبانی را جدای از زیرمجموعه‌های دیگر زبان‌شناسی اجتماعی در نظر می‌گیرد، زیرا ذات تجویزی دارد و بدون در نظر گرفتن تمایلات ایدئولوژیکی سعی در تغییر آگاهانه رفتار زبانی دارد و به برآورد الگوهای آینده انتخاب زبانی و کاربرد زبانی توجه دارد. وی می‌افزاید که هدف دوپست مؤسسه برنامه‌ریزی زبانی در سراسر جهان این است که منابع زبانی خود را به‌وسیله برنامه‌ریزی‌های از قبل طراحی‌شده تغییر دهند و با مطالبات ارتباطی آن جوامع زبانی هماهنگ و سازگار کنند. درپایان، علت موفقیت کم سیاست‌گذاری‌های زبانی را درک ناکامل از تعامل عوامل گوناگون زبانی و اجتماعی می‌داند.

فصل دوازدهم "انتخاب حروف: تمایزی عمده"، عنوانی است که کالمس برای بحث درباره زبان نوشتار و سیستم نگارش و خط در نظر می‌گیرد. وی معتقد است که انتخاب دستگاه نگارش و قراردادهای نگارشی از حساسیت فراوانی برخوردارند و درواقع زبان نوشتاری، بین مطالبات گوناگون از نقش‌هایی که برایش در نظر گرفته شده، مصالحه‌ای به‌وجود آورده است. از این‌رو، به‌این‌علت که هر تغییری، بالقوه، این سازش را متأثر می‌سازد، هرگونه پیشنهادی برای اصلاح خط و نوشتار، هر قدر هم که خوب و منظم باشد، با مخالفت مواجه می‌شود و واکنش‌های شدیدی را برمی‌انگیزد. ازسوی دیگر چون زبان نوشتار با باسوادی گره خورده است،

پس هرگونه انتخابِ زبانی، مشروط به درنظرگرفتنِ عوامل اجتماعی، فرهنگی، زبانی، تکنولوژیکی و سیاسی است تا به زبان نوشتار هم ارزش سمبولیک و هم ارزش سودمندی اعطا گردد.

فصل سیزدهم "زبان انتخاب"، که فصل پایانی است، به زبان انگلیسی، که درمقامِ زبانِ جهانیِ رقبای خود را پشت سر گذاشته و گوی سبقت را ربوده و هم‌چنان به‌پیش می‌تازد، اختصاص داده شده است. نویسنده بحثِ خود را با گفتهٔ جان آدامز^۱، دومین رئیس‌جمهور امریکا (۱۷۸۰ م)، آغاز می‌کند. وی پیش‌بینی کرده بود که در قرن‌های آینده، زبان انگلیسی حتی بیش‌از زبان لاتین در زمانِ خود، بر جهان تسلط خواهد داشت. کالمس ادامه می‌دهد: امپراتوری بریتانیا زبان انگلیسی را به مناطق وسیعی از جهان برد، و پس‌از افول قدرتِ بریتانیا، امریکا با تجارت، نظامی‌گری، جذب مهاجر، تکنولوژی برتر، فرهنگ پاپ و نظایر آن، این وظیفه را ادامه داد. امروزه کاربرانی که از این زبان استفاده می‌کنند آن‌را انتخابی سودمند می‌دانند. وی اشاره می‌کند که اگرچه انگلیسی‌ها خود را صاحبانِ اصلیِ زبان انگلیسی می‌دانند و ادعا می‌کنند که این زبان توسط آن‌ها ساخته شده است، اما مردمانی که در دیگر کشورهای انگلیسی‌زبان زندگی می‌کنند معتقدند که این زبان انتخاب آن‌ها بوده و آن‌ها حق دارند آن‌گونه که دوست دارند آن‌را شکل بدهند. بنابراین مشخص نیست زبان انگلیسی معیار، که در امریکا و انگلیس صحبت می‌شود، تحت تأثیر جهانی‌شدن دچار چه تحولات و دگرگونی‌هایی گردد.

فلوریان کالمس، رییس مرکز آلمانی مطالعات زبان ژاپنی در توکیو، در کتاب خود تصویر واضح و روشنی از کلیهٔ مباحث کلیدی زبان‌شناسی اجتماعی به‌دست می‌دهد. این کتاب را باید از منابعی برشمرد که هم دانشجویان و استادان زبان‌شناسی و هم افراد علاقه‌مند به این‌گونه مباحث می‌توانند از آن بهرهٔ فراوان ببرند. نویسنده در جای‌جای کتاب با استفاده از نقل‌قول‌های دیگر محققان و زبان‌شناسان غنای بیشتری به کتاب بخشیده است. ازسوی‌دیگر مفاهیم پیچیده و مباحث کلیدی را به‌کمک یافته‌های خود و دیگران به‌طور منسجم به‌تصویر کشیده است، به‌ویژه آن‌که علاوه‌بر تحقیقات کشورهای غربی، نمونه‌های پژوهشی فراوانی را نیز از کشورهای شرقی ارائه می‌کند، که برای درک عمیق‌تر خواننده از مطالب بسیار مفید است. موضوع محوریِ "انتخاب‌های سخن‌گویان زبان" درمیان تعاملات پیچیده و بغرنج زبان و اجتماع به‌خوبی به‌چالش کشیده شده است. در قسمت پایانی هر فصل، بخش‌های "سؤالاتی برای بحث"،

1. J. Adams

زبان‌شناسی اجتماعی: بررسی انتخاب‌های ...

"نکته‌ها" و "مطالعات بعدی" گنجانده شده تا اذهان جستجوگر را به تفکر وادارد. اما نویسنده فقط در فصل‌های یازده و دوازده، قسمتی را به نتیجه‌گیری اختصاص داده، که پرسش‌برانگیز است. پس از فصل سیزده، نمایه اصطلاحات با مفاهیم آنها قرار دارد. در انتها، منابع و منابع اینترنتی ثبت شده‌اند و نمایه‌های اعلام و موضوع، آخرین صفحات کتاب را به خود اختصاص داده است.

شراره مظفری

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

منابع

- Brown, P. & S. Levinson. (1987). *Politeness: Some Universals in Language Usage*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Ferguson, C. A. (1959). "Diglossia". *Word* 15, 325-40.
- Fishman, J. A. (1967). "Bilingualism with and without diglossia; diglossia with and without bilingualism". *Journal of Social Issues* 23, 29-38.
- Fishman, J. A. (1980). Bilingualism and Biculturalism as individual and as societal phenomena. *Journal of Multilingual and Multicultural Development* 1, 3-15.
- Hymes, D. (1974). *Foundation in Sociolinguistics: An Ethnographic Approach*. Philadelphia: PA: University of Pennsylvania Press.
- Leech, G. N. (1983). *Principles of Pragmatics*. London and New York: Longman.

